

<b>اندیشه سیاسی مسلمانان</b>	<b>۲۴۱</b>
<b>فتح‌الله بریشان</b>	

**شرایط و صفات رهبری از منظر فاضل هندی**
در اندیشه سیاسی اسلامی حکومت بر جامعه اسلامی مبتنی بر ارکان و اساسی است که یکی از آنها جایگاه رهبری و شرایط و صفات رهبر اسلامی است. شرایط حاکم و زمامدار، در حکمت، کلام و فقه سیاسی اسلام همواره مورد بحث اندیشمندان مسلمان بوده است. آنان شرایط و صفات گوناگونی را به اقتضای اسلامی بودن حکومت مطرح کرده‌اند. فاضل هندی نیز علاوه بر شرایط و صفات عمومی مانند عقل، اختیار، استقلال، بلوغ، ذکوریت و طهارت مولد، شرایط و صفات خاصی را نیز برای رهبر و رئیس جامعه اسلامی لازم می‌داند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱ – صلاحیت عملی؛ از نظر فاضل هندی از آنجا که رهبر جامعه دو وظیفه اساسی قانونگذاری بر اساس وحی الهی و اجرای عادلانه آن را برعهده دارد؛ لذا پیش از هر چیزی باید عارف و عالم به شریعت الهی باشد.<sup>(۱)</sup> زیرا ریاست در امور دین و دنیا موقوف بر علم به شریعت و احکام دین و علم به سیاست ملکی<sup>(۲)</sup> می‌باشند؛ از این رو است که می‌گویم پیامبر(ص) باید به آنچه مردم در امور معاش و معاد خود به آن نیاز دارند، عالم باشد و جانشین ایشان نیز باید علاوه بر علم به سیاست ملکی<sup>(۳)</sup>، به مسائل دینی نیز کاملاً آگاه و عالم باشد؛ زیرا امامت و خلافت تالی نبوت است.<sup>(۴)</sup> فاضل در کتاب فقهی خود «کشف اللام»، در عصر غیبت نیز نیابت از سوی امام(ع) در امر قضا و فتوا را از آثار فقیه عالم به فروعات و احکام دین و جامع شرایط فتوا و قضا می‌داند و در صورت تعدد فقهای جامع شرایط فتوا و قضا و به قول مستشکلین امروزی در صورت تراجم فقها، مراجعه به افضل و اعلم را متعین می‌داند؛ زیرا نیابت او از جانب امام نزدیک‌تر است و ترجیح مروج زشت است.<sup>(۵)</sup> فاضل هندی این استدلال خود را با ارائه احادیث و روایاتی از پیامبر و سایر ائمه معصومین(علیهم‌السلام) مثل روایت عمر بن حفصه و… مستند و مستدل می‌نماید و به شرح توفیق شریفی که از ناحیه مقدسه امام عصر(عج) دربار «ضرورت مراجعه به اوپان حدیث اهل بیت در حوادث و پیشامدها» صادر شده می‌پردازد.

۲ – صلاحیت اخلاقی؛ از نظر فاضل هندی یکی دیگر از شرایط و صفات اساسی رهبری جامعه اسلامی داشتن صلاحیت اخلاقی است. برخورداری از فضایی چون عصمت، عدالت، شجاعت، عفت، حسن تدبیر و دیگر کمالات نفسانی به وجود آورنده این صلاحیت اخلاقی برای رهبری جامعه است. از دیدگاه وی دو فضیلت از فضایل اخلاقی لازم برای رهبری حائز اهمیت ویژه است: ۲/۱- عصمت؛ فاضل هندی، صصمت از خطا و گناه را از شرایط لازم برای امامت و رهبری جامعه اسلامی ذکر می‌کند و می‌گوید: «امام عبارت از پیشوایی است که قولش حجت و اطاعتش واجب باشد، چنانکه قرآن می‌فرماید: «طیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم»<sup>(۶)</sup> روشن است شخصی که معصوم نباشد و عمداً و سهواً از اوامر و نواهی نافرمانی کند، واجبالاطاعه نخواهد بود. مطابق با اندیشه اسلامی، به جای عصمت، فقیه جامع‌الشرایط در عصر عدم حضور معصوم(ع) باید دارای ملکه تقوا و پرهیزکاری از گناه باشد. البته این موضوع در اندیشه فاضل، به دلیل اینکه به اقتضای شرایط زمانی به صراحت به ولایت سیاسی فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت امام(ع) اشاره نمی‌کند، ذکر نشده است. ۲/۲ – عدالت؛ از نظر قاطبه فقها عادل بودن حاکم اسلامی از دیگر شرایط مهم رهبری در جامعه اسلامی است. عدالت، یعنی از ملکه‌ای برخوردار باشد که او را از تخلف و نافرمانی نسبت به احکام الهی بازدارد. در اندیشه فاضل هندی، این ویژگی مرکب از عفت، حکمت و شجاعت دانسته شده است. در واقع، عدالت از نظر وی همان کیفیت نفسانیه راسخی است که شخص را بر ملازمت مروت و تقوا برمی‌انگیزاند.<sup>(۷)</sup>

علاوه بر این صلاحیت‌های اخلاقی خاص، فاضل هندی فضایل اخلاقی دیگری را نیز برای رهبری و سیاست دینی جامعه لازم می‌داند که از جمله آنها می‌توان به شجاعت، سخاوت، زهد و عبادت، اخلاص و عدم دنیاگرایی اشاره کرد.
\* **پی نوشت‌ها در دفتر هفته‌نامه موجود است.**

### آفاق

**بررسی ویژگی‌های ماهوی جنگ نرم، رویکرد معناگرا**نه به **این پدیده است که شناخت آن می تواند آن را از سایر جنگ‌ها متمایز کند. مؤلفه‌های سازنده و مختصات جنگ نرم به گونه‌های مختلفی مورد توجه محققان قرار گرفته است که می توان آنها را در چهار مؤلفه ۱- ساختاری، ۲- کارکردی، ۳- هنجاری و ۴- فرایندی دسته‌بندی کرد.**

**۱-مختصات ساختاری**

۱- جنگ نرم ساختار عمودی منظم و سلسله‌مراتبی رسمی ندارد و مبتنی بر شبکه‌های افقی سیال و نامنظم غیررسمی است. همچنین این پدیده دارای ساختاری انطفاقی است و در فضای مناسبات اجتماعی که مبنای هنجارهای آن جامعه را تشکیل می‌دهند، اعمال می‌شود.
الف) جنگ نرم غیر بسپط، مرکب و پیچیده‌ترین نوع منازعه علیه امنیت ملی یک کشور به شمار می‌آید. رهبر معظم انقلاب نیز در این باره فرموده‌اند: «امروز آرایش رسانه‌ای و فرهنگی که در مقابل جمهوری اسلامی قرار دارد، بسیار آرایش پیچیده، متنوع، متکثر، کارآمد و فنی و پیشرفته است. مبارزهای پیچیده‌تر و سخت‌تر از مبارزه با دشمنان است.»(۱۳۸۷/۹/۲۴)
ب) جنگ نرم در شبکه و روابط علیّی مستقیم و غیرمستقیم شکل می‌گیرد و در فرایند آن عوامل مختلفی در یک ارتباط ارگانیك دخالت دارند و به صورت هم‌افزا عمل می‌کنند.

### آشنایی با وضعیت اجتماعی

**غرب و اندیشه‌های متفکران عصر روشنگری، به ویژه اندیشه‌های لیبرالسی، نوعی چرخش فکری در اندیشه برخی ایرانیان پیش از مشروطه ایجاد کرد. این افراد که «منورالفکر» نامیده می‌شدند، با مقایسه اوضاع سیاسی و اجتماعی عقب‌مانده ایران با غرب، تنها راه علاج و برون‌رفت از آن و حرکت به سوی پیشرفت را کنار گذاشتن آداب و رسوم ایرانی، به ویژه فرهنگ اسلامی و پذیرش فرهنگ و تمدن غرب می‌دانستند.**

### طرح دو دیدگاه

پیش از مشروطه، منورالفکرها و به عبارتی روشنفکرها، برای کنار زدن دین از عرصه اجتماعی ایران، مسائل و دیدگاه‌های مختلفی از جمله تغییر وضعیت زنان را در قالب پروژه پروتستانیسم اسلامی مطرح می‌کردند. این دیدگاه‌ها را می‌توان در دو بخش عمده ایجابی و سلبی خلاصه کرد.

آنها در بخش ایجابی، با الگو قرار دادن سبک زندگی غربی از آزادی و مساوات زنان حمایت می‌کردند و در بخش سلبی، با مانع تلقی کردن دین اسلام در راه پیشرفت جامعه و زنان، اموری مانند حجاب، تعدد زوجات، عدم اختلاط زنان با مردان نامحرم، حق طلاق، ازدواج‌های اجباری، عدم آموزش دختران و… را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دادند.

در ادامه، به دیدگاه‌های برخی روشنفکران شاخص پیش از مشروطه که مطالبی را به صورت ایجابی و سلبی در رابطه با مسائل زنان مطرح کرده‌اند، اشاره می‌شود.

### دیدگاه میرزا ابوالحسن خان شیرازی

رگه‌هایی از گرایش‌ها و تفکرات فمینیستی را می‌توان در سفرنامهٔ

# مسئله

جریان‌شناسی فکری – فرهنگی ایران معاصر–۱۶

# نگاه ایجابی و سلبی روشنفکران دوره قاجار به زنان

■ ■ ■ علی‌اصغر نصیری – عبدالله شمسى ■ ■ ■

میرزا ابوالحسن خان شیرازی، سفیر فوق‌العاده فتحعلی‌شاه، در کتاب حیرت‌نامه‌اش مشاهده کرد.در بخشی از این سفرنامه، میرزا ابوالحسن خان که به خانه وزیر اعظم انگلستان دعوت شده بود، از وضعیت ظاهری زن وزیر اعظم با نام «میس پرسول» و زن‌های وزرا که بدون حجاب و آراسته به همراه شوهران‌شان به مهمانی آمده بودند، تعجب می‌کند و دچار حیرت می‌شود. میرزا ابوالحسن‌خان در این باره می‌نویسد: «میس پرسول گفت: چنان می‌فهمم که از اکل نمودن مرد



شوهران خود نمایند از فرط محبتی است که با شوهران خود دارند، که میهمان عزیز او را گرمای دارند.»<sup>(۱)</sup> در حالی که در ظاهر مسیحی و در باطن تابع عقل هستند، می‌باشد.<sup>(۲)</sup>

**دیدگاه میرزا فتحعلی آخوندزاده**
آخوندزاده روشنفکری است که متأثر از تعالیم غرب، دیدگاهی انتقادی نسبت به اوضاع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران دارد. یکی از موضوعات مورد توجه وی، وضعیت اجتماعی زنان در ایران است. وی در قالب آثار خود مانند نمایشنامه‌ها، تئاتر و کتاب، به موضوع مسئله زن ایرانی اشاره می‌کند. فریدون آدمیت معتقد است که آخوندزاده قصد داشته

است به واسطه نمایشنامه‌نویسی، سنت‌شکنی کند و زنان را در پی کسب حقوق و آزادی و رهایی از قیود اجتماعی خویش به حرکت درآورد.<sup>(۳)</sup>
با توجه به ضدیت آخوندزاده با دین

اسلام، می‌توان فهمید که منظور وی ایرانی به زنان انگلیسی است، پرده برمی‌دارد و آزادی زنان غرب را برای زنان ایران آرزو می‌کند: «حق تعالی شأنهٔ علیم و خبیر است که مکرر من آرزو از خدا کرده‌ام که کاش نسوان ایران را به عفت و عصمت زنان انگلیس بهره‌ور گرداند. چنانچه آخوندزاده معتقد است تحقق پروتستانیسم اسلامی در وجه سلبی، نیازمند آزادی از تکالیف الهی و حقوق الله، و در وجه ایجابی، نیازمند تبعیت از عقل می‌باشند. الگوی پیشنهادی

آخوندزاده مبتنی بر دیدگاه‌های مادی غرب، ادعا می‌کند که حضرت رسول اکرم(ص) نسبت به زنان سخت‌گیری کرده و آزادی آنها را سلب کرده است. وی معتقد است که حجاب سرچشمه مفاسد اجتماعی گوناگونی است. آخوندزاده، خشونت رفتار مردان نسبت به زنان در معاشرت و اختلاط که به اعتقاد وی از لذیذترین نعمت‌های دنیوی است؛ عدم تربیت زنان در علوم و فنون و صنایع، و سلب حقوق انسانیت و آزادی از آنان در جمیع موارد و رواج خواجه کردن اطفال بی گناه و رونق کسب نکوهیده خواجگفروشی را از عادات مسلمانان و از آثار نکوهیده آیین حجاب معرفی می‌کند.<sup>(۴)</sup>

### دیدگاه میرزا آقاخان کرمانی

میرزا آقاخان کرمانی نیز متأثر از وضعیت فرهنگی – اجتماعی زنان در غرب، به نقد وضعیت زنان در ایران می‌پردازد. میرزا آقاخان، حجاب زنان را امری ناجوانمردانه می‌داند که مانع حضور اجتماعی آنان در کنار مردان شده است. وی معتقد است در ایران باستان، زنان به غیر از حق حکومت کردن و فرماندهی، در بسیاری دیگر از حقوق اجتماعی با مردان برابر بودند و به آسانی با یکدیگر مروده و معاشرت داشتند. اما آنان پس از ورود اسلام، همانند زنان اعراب که

## کارگاه سیاسی

در زیر پرده حجاب مستور بودند، در خانه‌ها همچون کور، محجوب و مهجور شده‌اند. به اعتقاد میرزا آقاخان کرمانی، حجاب و روبنده‌های زنانه علاوه بر مسدود کردن چشم و گوش زنان، مانع دانایی و بینایی مغنوی آنان نیز شده است.«ز آن بدتر حجاب بی‌مرت زنان است. در ایران باستان زنان با مردان شریک زندگانی بودند، با هم مراده داشتندو، در سفر و حضر پرداخت. پس حجاب را برانداخت و آمین روگشادگی زنان در قلمرو او جاری شد.»<sup>(۵)</sup>

آخوندزاده مبتنی بر دیدگاه‌های مادی غرب، ادعا می‌کند که حضرت رسول اکرم(ص) نسبت به زنان سخت‌گیری کرده و آزادی آنها را سلب کرده است. وی معتقد است که حجاب سرچشمه مفاسد اجتماعی گوناگونی است. آخوندزاده، خشونت رفتار مردان نسبت به زنان در معاشرت و اختلاط که به اعتقاد وی از لذیذترین نعمت‌های دنیوی است؛ عدم تربیت زنان در علوم و فنون و صنایع، و سلب حقوق انسانیت و آزادی از آنان در جمیع موارد و رواج خواجه کردن اطفال بی گناه و رونق کسب نکوهیده خواجگفروشی را از عادات مسلمانان و از همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حضوری تأثیر گذار، مفید و تولیدی دانسته‌اند. زنان در ایران، خانه‌نشین نبوده‌اند و حجاب اسلامی نیز مانعی برای انجام فعالیت‌های اجتماعی آنان نبوده است. کاملاً مشهود است که دیدگاه‌های برابری طلبانه میرزاآقاخان درباره زنان و مردان نیز با پیش‌فرض قرار دادن ظواهر زنانه و حجاب اسلامی در حالی که سبک زندگی غربیان، متأثر از مبانی فکری و اصول اومانیستی و سکولاریستی است و نیز از شرایط تاریخی، بومی و فرهنگی آنها نشئت گرفته و چنین شرایطی در ایران وجود نداشته است.
\* **پی نوشت‌ها در دفتر هفته‌نامه موجود است.**

## اصطلاحات

### پراتوریانیسم

پراتوریانیسم(Praetorianism) به معنای دخالت ارتش و نظامیان در امور اجرایی، سیاسی و قضایی است. پراتوریانیسم از کلمه پراتور در یونان باستان گرفته شده است. به‌طور اساسی، اساساً، دخالت نظامیان در سیاست، یکی از جنبه‌های شگفت‌انگیز و نیز عمومی نوسازی سیاسی به شمار می‌آید. در میانه دهه ۱۹۶۰، موج کودتاهای نظامی در کشورهای مختلف نظیر غنا، داهومی، کنگوی لئوپولدویل، جمهوری آفریقای مرکزی و … به قدری فراوان بود که گویی دخالت‌های نظامی در قاره‌ها و کشورهای گوناگون، بخش جدایی‌ناپذیر و آشکار نوسازی سیاسی است. بررسی‌های پژوهشگرانه در جوامع دستخوش نوسازی سیاسی نشان می‌دهد سرچشمه پراتوریانیسم، به ویژه از نوع افراطی آن، استعمار غربی است. استعمار غرب در آفریقا، خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی، نهادهای سیاسی بومی را ضعیف و غالباً یکسره نابود کرد.

اما همواره مطالعه دو جنبه از دخالت‌های نظامیان به طور خاص و البته غالب گروه‌های اجتماعی به طور عام، برای تحلیل‌گران سیاسی مطرح بوده است: اول اینکه، علت‌های دخالت نظامیان در سیاست کشورهای دستخوش نوسازی و دوم اینکه، بین دخالت‌های برای نوسازی و تحول سیاسی این کشورها، چه پیامدهایی داشته است؟ بسیاری از علت‌هایی که عموماً برای وجود این دخالت‌ها مطرح شده‌اند، دلیل این امر آن است که دخالت‌های نظامی تنها یکی از جلوه‌های پدیده‌ای گسترده‌تر در جوامع توسعه نیافته به شمار می‌آیند که عبارت است از سیاست‌زدگی همهٔ نیروها و نهادهای اجتماعی.

در چنین جوامعی، سیاست از استقلال، پیچیدگی، انسجام و تطبیق‌پذیری بی‌بهره است. همه گونه نیروها و گروه‌های اجتماعی، به‌طور مستقیم به درون صحنه سیاست کشیده می‌شوند. کشورهایی که ارتش‌های سیاسی دارند، روحانیت سیاسی، دانشگاه‌های سیاسی، دیوانسالاری سیاسی، اتحادیه‌های کارگری سیاسی و شرکت‌های سیاسی نیز دارند. نه تنها نظامیان، بلکه هیچ یک از گروه‌های اجتماعی، سرجای خودشان قرار نگرفته‌اند.

ویژگی بارز چنین جوامعی سیاست‌زدگی نیروهای اجتماعی در آن است که اصطلاح «جوامع پراتوری» نیز برای نامیدن آنها به کار می‌رود. در جوامع سیاست‌زده نه تنها نظامیان، بلکه نیروهای اجتماعی دیگر نیز در امور سیاسی آن دخالت دارند. تحلیل‌های پژوهشگرانه تأکید دارند همان علت‌هایی که نظامیان را به دخالت در سیاست وامی‌دارد، درباره دخالت‌های سیاسی اتحادیه‌های کارگری، بازرگانان، دانشجویان و روحانیان نیز صدق دارد. این علت‌ها نه در سرشت گروه، بلکه در ساختار جامعه نهفته‌اند. از پیامدهای چنین جوامعی این است که نیروهای اجتماعی به مستقیم در کنش متقابل با یکدیگرند و کمتر کوششی را برای مرتبط ساختن مصلحت خصوصی‌شان با مصلحت همگانی، از خود نشان می‌دهند و افزایش حجم، قدرت و تنوع نیروهای اجتماعی، تنش و کشمکش میان آنها را تحمل‌ناپذیر می‌کند. البته این نگاه مبتنی‌بر رهیافت قدرت پایه به سیاست در جوامع غربی و شرقی است، در حالی که نگاه اسلامی با رهیافت هدایت به سیاست به‌گونه‌ای دیگر به این عرصه توجه دارد.

دکتر سیامک باقری‌چوگامی

## تجزیه و تحلیل چهار گانه معناکاوی جنگ نرم

فروپاشی و تغییر سیاسی در جامعه را با هزینه کمتری فراهم می‌کند.

**۴-مختصات فرایندی**

۱- ماهیت نبرد نرم زمینه‌کند بودن آن می‌باشد؛ لذا جنگ نرم طی یک فرایند تدریجی، خزنده و آرام و در بیشتر فرهنگی و اجتماعی اعمال می‌شود. چنانچه رهبر معظم انقلاب فرمودند: «تهاجم فرهنگی، مثل خود کار فرهنگی، اقدام آرام و بی‌سر و صدایی است.»(۱۳۷۱/۵/۲۱) همچنین؛ «تغییر هویت واقعی نظام به تدریج و آرام حاصل می‌شود.»(۱۳۸۷/۹/۲۴)

۲- جنگ نرم زمانمند است و برای دستیابی به اهداف تعیین شده دارای دوره‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت است. رهبر فرزانه انقلاب در این باره فرموده‌اند: «… جنبه دشمن برنامه بلندمدت دارد. آنها مأیوس نمی‌شوند که ببینند حالا امروز شکست خوردند، دست بردارند، نه، طراحی می‌کنند برای ده سال دیگر، بیست سال دیگر، چهل سال دیگر؛ باید آماده باشید.»(۱۳۸۹/۸/۴)

۳- جنگ نرم مجموعه فعالیت‌ها غیرمستقیم رفتار مخاطب خویش را تحت تأثیر (سلبی و ایجابی) قرار می‌دهد.(افتخاری، ۱۱۲)
۴ – جنگ نرم، اخلاق به مثابه یک مؤلفه اساسی در فرهنگ عمومی را هدف قرار می‌دهد. رواج آلابالی‌گری و ابتدال و بی‌معناسازی اخلاقیات و از بین بردن التزام به اخلاق، شرایط

کردن مردم به تغییر نظم و به صحنه کارزار کشاندن آنها نیست؛ بلکه حفظ نظم نیز مستلزم همین اقدام می‌باشد. (مطالعات گروهی، همان، ۴۱-۴۰)
۲-از اهداف اساسی جنگ نرم تأثیرگذاری بر حوزه اعتقادی جامعه است؛ زیرا باورها و اعتقادات برای هر بازیگری از اعتبار بنیادی برخوردار



است. باورها، مالک و فرمانده وجود ما و ایجادکننده رفتارهای ما هستند.
۳- جنگ نرم با هدف قراردادن ابعاد عاطفی انسان به صورت غیرمستقیم رفتار مخاطب خویش را تحت تأثیر (سلبی و ایجابی) قرار می‌دهد.(افتخاری، ۱۱۲)

۴ – جنگ نرم، اخلاق به مثابه یک مؤلفه اساسی در فرهنگ عمومی را هدف قرار می‌دهد. رواج آلابالی‌گری و ابتدال و بی‌معناسازی اخلاقیات و از بین بردن التزام به اخلاق، شرایط

تضعیف قابلیت‌ها و کارآمدی اقتصاد و ناتوان‌سازی الگوهای بومی توسعه اقتصادی در دنبال می‌کند و از نسوی دیگر رویکرد به برنامه‌ها و الگوهای غیربومی پیشنهاد می‌شود.
۵- کارکرد جنگ نرم در حوزه دفاعی-امنیتی تاکارآمدسازی بازوهای امنیتی و ارائه تصویری ضد مردمی از

اجتماعی که به صورت سلبی و ایجابی هویت جمعی را نشانه می‌گیرد، آثار و پیامدهایی را برجای می‌گذارد که در نهایت هسته مرکزی آن، یعنی سرمایه اجتماعی در معرض زوال قرار می‌گیرد و در مقابل اعتماد و امیدها جامعه مخاطب را به بازیگری با جریان مخالف و برانداز منتقل می‌کند.

۳- کارکرد جنگ نرم در حوزه سیاسی، اغلب به صورت سلبی و ایجابی بنیان‌های اساسی حاکمیت را که با بقا و قوام آن ارتباط دارد، هدف قرار می‌دهد و ایده حاکمیت یا ایدئولوژی سازنده نظام را به چالش کشیده و تخریب می‌کند و گفتمان، ایده و ایدئولوژی خود را جایگزین می‌کند.

۴- کارکرد جنگ نرم در حوزه اقتصادی از یک سو ناتوان‌سازی دولت در تأمین نیازها و رفاه اقتصادی مردم،